

حرف درشت

آبش رو کشیدند چلو شد

● **بوریا عالمی؛** چندروز پیش یک مراسم برگزار شده برای یادبود عباس کیارستمی و وزیر بهداشت هم آمده و گفته از ما می‌پرسند قضیه پرونده پزشکی عباس کیارستمی چی شد؟ بعد خودش دو پاراگراف توضیح داده که به فارسی ساده می‌شود: آبش رو کشیدند چلو شد. آن‌طوری که وزیر با زبان بی‌زبانی توضیح داده وزیر بهداشت اصولا فقط برای افتتاح‌کردن و قیچی‌کردن روبان کاربرد دارد، نه مسائل دیگر. ممکن است شما بگویید وزارت بهداشت در حد اداره تمیرباطل‌کنی در حوزه وظایفش اختیارات دارد یا با این‌همه پرونده نفتی که در دوره گذشته اتفاق افتاد، همین وزیر نفت دوران احمدی‌نژاد الان جاست؟ یا وزیر آموزش‌وپرورش که در دوره‌اش آن‌همه دانش‌آموز توی مدرسه سوختند... یا همین نعمت‌زاده دولت روحانی چی؟ می‌بینید؟ ما ساده‌ایم که تا یک اتفاقی می‌افتد خُر وزیر را می‌چسبیم و فکر می‌کنیم مثل فیلم‌های هالیوودی مسئول قضیه است. تو روند اداری اصلا با وزیر کاری ندارند. وزیر فقط صبح‌به‌صبح می‌رود وزارتخانه و ساعت حضور و غیاب آدم‌ها را چک می‌کند و ظهر کارش تمام می‌شود و می‌رود تلویزیون مصاحبه. همین. این چیزیه که ما می‌گوییم مثل یک نوع شهود است که از حرف‌های وزیر بهداشت درباره کیارستمی بر ما ساطع شد. شما ببین عباس کیارستمی؛ چه با خطای پزشکی، چه با مسافرت پزشک، چه با دست‌به‌دست‌کردن پزشک، چه با دست‌به‌دست‌شدن بیمار بین پزشکان، چه با آفتاب‌گرفتن پزشک متخصص بیمارستان، هم‌زمان با بستری بیمار در سواحل خارج، چه با آزمون و خطای بیمارستان که حالا نصف روده‌اش رو دربیاریم چیزی نمیشه که... روده درازه... چه به هر دلیل دیگر به‌عنوان یک آیگون و نماد از فرهنگ و هنر مستقل و بین‌المللی معاصر تاریخ ایران همین‌طور قضاقت‌ورتنی فوت کرده. بعدش چه اتفاقی افتاده؟ دکنره که برگشته سر کار. بیمارستانه که داره کارش رو می‌کنه. نظام پزشکی هم داره کارش رو می‌کنه، پزشکی قانونی هم که کار غیرقانونی نمی‌کنه. وزیر هم که میگه من اصلا همین الان رسیدم. این وسط فقط عباس کیارستمی بود که از عمل آخر، هنوز به تیکه‌هایش توی بیمارستانه توی کشو مونده و دکنره هم که داشته آفتاب می‌گرفته، بادش نیست. خُب ما از یادداشت امروز چه درسی گرفتیم؟ درس گرفتیم اگر اتفاقی برابیمان افتاد، نباید تقصیر را کردن کسی بیندازیم و باید برویم از پدر و مادرمان شکایت کنیم که چرا ما را توی قطب شمال به دنیا نیاوردند؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۶ • ۱۵ شوال ۱۴۳۸ • ۱۰ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۰۷ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۱۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com



باشگاه مشتریان بانک رفاه

"جشنواره همراهان رفاه" با جوایز ارزنده

بدون قرعه کشی (بیشترین امتیاز)

۵ فقره کمک هزینه خرید خودرو ۶۰۰ میلیون ریالی

قرعه کشی

۱۰ فقره کمک هزینه خرید لوازم منزل ۳۰۰ میلیون ریال

و جوایز ارزنده دیگر تنها با عضویت در باشگاه مشتریان بانک رفاه

club.rb24.ir

www.refah-bank.ir

@bankrefahkargaran

مرکز فراد: ۰۲۱-۸۵۴۳۰۵۱



باشگاه مشتریان بانک رفاه



بانک رفاه کارگران

یادداشت

تفاوت جایگاه شوراها در ایران و انگلیس

محله کنزینگتون لندن بود که مسئولیت پاسخ‌گویی به مردم را دارد. در این حادثه مسئولان شهرداری لندن و مقامات دولت انگلیس، به جز اظهار تأسف و همدردی با خانواده‌های آسیب‌دیده، خود را درگیر این حادثه نکردند، با توجه به اینکه شورای محله مسئولیت کلیه امور را برعهده دارد باید پاسخ‌گو نیز باشد. به همین مناسبت معترضان در مرکز لندن به ساختمان اداری محله کنزینگتون و جلسی مراجعه کردند و در بیانیه‌ای خواستار تحقیق درباره علت آتش سوزی و کمک به بازماندگان این حادثه شدند و از شورای محله خواستند هر چه سریع‌تر به وضعیت خانواده‌های آسیب‌دیده رسیدگی کنند. می‌دانیم شوراها در لندن سابقه ۲۰۰ساله دارند و خدمات عمومی در شوراهاى محلات و پارلمان شهری به‌صورت قانون‌مند به مردم سپرده شده است و دولت صرفا در مسائل ستادی و ملی حضور دارد.

پس از حادثه پلاسکو یادداشتی با عنوان «راهکارهایی برای پیشگیری از حادثه پلاسکو» به قلم رافقم این سطور درتاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ در روزنامه «شرق» منتشر شد و در آن به ضرورت اصلاح ساختار مدیریت شهری و راهکارهای آن، از جمله پیگیری و اجرای لایحه مدیریت واحد شهری اشاره شده است تا به‌تدریج با اصلاح ساختار مدیریت شهری، با سپردن کار مردم به دست مردم مطابق اصول قانون اساسی، شوراهاى شهر و روستا در جایگاه طبیعى خود قرار گیرند و با اختیارات لازم در مقابل مردم پاسخ‌گو باشند.

همین حوالی

کابوس کنکور

بود خودم بروم، سر از جای دیگری درمی‌آوردم. مدرسه زیادی بزرگ بود، جایم را پیدا کردم، نشستم و کنکور دادم. بعد نمره‌ها آمد و من با کمال شجاعت رشته مکانیک را انتخاب کردم. جواب‌ها که توی روزنامه چاپ شد، من شمال بودم. اسسم توی روزنامه نبود. کمی گریه کردم و منتظر بقیه‌اش ماندم. هنوز فرصت بود. زمان ما رشته‌های هنری کنکورهای خودشان را برگزار می‌کردند. با اینها تکلیفم روشن‌تر بود. رشته‌ها را می‌شناختم. باوجوداین وقتی در کنکور معماری، باد زیر ورق‌هام زد – توی حیات نشسته بودیم – و آن را با خود برد، بلند شدم و از دانشگاه تهران رفتم بیرون. هنوز هم نمی‌دانم چرا. نومید بودم؟ بی‌تفاوت بودم؟ نمی‌دانم. بعد برای رشته تئاتر هنرهای زیبا امتحان دادم. این یکی عالی بود و بعد امتحان بازیگری. آقای سمندریان و یکی، دو استاد دیگر. بازیگری‌ام خوب نبود، خودم می‌دانستم. اما تحلیل نقش و مصاحبه خوب بود. خبر آمد که سه نفر قبول شده‌اند؛ من و دو نفر دیگر که هر سه از خانواده تئاتری‌ها بودیم. سه روز عالی داشتیم، ما سه نفر. انکار تونل سیاه داشت به نور می‌رسید، آن‌هم توی یک سرزمین رؤیایی.

بعد از سه روز خبر آمد که برای سه نفر نمی‌توانند سال اول داشته باشند. دوباره گریه کردم. بعد سرم را انداختم پایین و خیلی سربه‌راه – بالاخره کنکور من‌را رام کرده بود– رفتم و دانشکده هنرهای دراماتیک امتحان دادم و قبول شدم. دو ترم نگذشته، دانشگاه تعطیل شد. وقتی دانشگاه دوباره باز شد من دیگر مادر بودم. جلسه پایان‌نامه‌ام را که گذراندم، مدتی دنبال کار گشتم و سر از یک سازمان صنعتی درآوردم که لابد خیلی به تئاتر ربط داشت و من نمی‌دانستم. نه رشته‌ام به آنجا ربط داشت، نه خودم. ۱۵ سال کار کردم و سخت گذشت. به‌هرحال وقتی سرنوشت باید از یک تونل تاریک بگذرد بهتر از این نمی‌شود.

پیشنهاد فردا

تهران میزبان ۴ نشست بین‌المللی در حوزه رسانه

علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تالار گفت‌وگو، برگزار می‌شود. دبیر علمی نشست دکتر مهدی منتظراندام و اعضای پتل دکتر محمد نظام عثمان، دکتر تژا میرفخرایی و دکتر عبدالله بیجرانلو هستند. این پتل یکشنبه ۱۸ تیرماه ساعت ۱۰ تا ۱۳ برگزار خواهد شد. نشست سوم با عنوان «آموزش ارتباطات و رشته‌های آن در ایران و مالزی» برگزار می‌شود. دبیر علمی نشست دکتر محمدمهدی فرقانی و اعضای پتل پروفسور اظهار تمام، محمد خدای و عباس خشن‌اندیش هستند. این پتل ساعت ۱۰ تا ۱۳ روز دوشنبه ۱۹ تیرماه در سالن اجتماعات دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (پردیس دهکده المپیک) برگزار می‌شود. چهارمین نشست با عنوان «شبکه‌ها/ رسانه‌های اجتماعی: تجربیات ایران و مالزی» به میزبانی سازمان فنسآوری اطلاعات ایران برگزار می‌شود. دبیر علمی نشست دکتر هادی خانیکی و اعضای پتل پروفسور صالح حسن، پروفسور عبدالمعطی، مهندس نصرالله جهانگرد و خانم دکتر باستانی هستند. این پتل روز دوشنبه ۱۹ تیرماه ساعت ۱۸ لغایت ۲۰ برگزار می‌شود.

کنونی مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران و رخداد مشابه دیگر را در یک کشور اروپایی، مقایسه کنیم.

رخداد اول، حادثه ریزش ساختمان پلاسکو است که همه به خاطر داریم. در این حادثه که منجر به خسارات جانی و مالی گسترده شد، همه ارکان نظام درگیر آن شدند: از جمله ریاست‌جمهور، تعدادی از وزرا، به‌ویژه مسئولان وزارت کشور و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران شهرداری تهران، اعضای شورای شهر تهران و به‌طور طبیعی و وسیع، رسانه‌ها. این حادثه آن چنان فضای عمومی جامعه را متأثر کرد که کل مدیریت نظام و فضای اجتماعی و ظرفیت کاری همه مسئولان را به خود مشغول کرد و دولت یک روز عزای عمومی اعلام کرد و رئیس‌جمهور هیئت ویژه‌ای را مأمور بررسی این حادثه و ارائه گزارش ملی کرد و مجلس شورای اسلامی رسیدگی به آن را در دستور کار خود قرار داد. در این حادثه برخی از اعضای شورای شهر صرفا عملکرد شهرداری تهران را مورد انتقاد قرار دادند. البته در پایان باوجود همه تلاش‌های صورت‌گرفته، به خاطر معیوب‌بودن ساختار مدیریت شهر تهران و قوانین و مقررات موضوعه، هیچ شخص یا نهادهی مسئولیت این حادثه را برعهده نگرفت. اما رخداد دوم، حادثه مشابهی است که اخیرا، ۲۴ خرداد، در برج مسکونی ۲۴ طبقه گرنفل لندن رخ داده و این برج دچار آتش‌سوزی مهیبی شد و شمار زیادی از مردم کشته شدند و خسارات زیادی در بی داشت. در این حادثه تمام اعتراضات مردم متوجه شورای



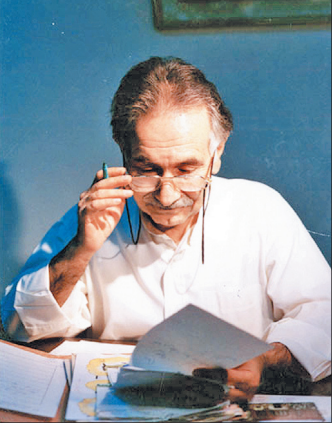
محمد توسلی

منتخبین پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا کمتر از دو ماه بعد، جایگزین اعضای چهارمین دوره شوراها می‌شوند و برای انجام وظایف خود، با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهند شد. انتخاب شهردار شایسته برای پاسخ به مطالبات و نیازهای شهروندان؛ ساماندهی وضعیت موجود، گماردن مدیران شایسته پاکدست برای شفاف‌سازی گردش مالی و تأمین فضای امن، زیست سلامت و رفاه شهروندان و... اما واقعا در چارچوب قانون و ساختار کنونی مدیریت شهری؛ شوراها چه جایگاهی دارند؟ آیا می‌توانند پاسخ‌گوی مطالبات مردم باشند؟ برای پاسخ‌گوبودن آنان در قبال شهروندان، چه تحولی در ساختار مدیریت شهری ضروری است؟ و این تحول چگونه و در چه فرآیندی به‌تدریج می‌تواند شکل بگیرد؟ رافقم این سطور، در چند یادداشت و گفت‌وگو، کوشش کرده است با تأکید بر اصول قانون اساسی، به الگوهای تجربه‌شده در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و تلاش‌های صورت گرفته در دو سال اول انقلاب، اشاره‌ای داشته باشد و ضرورت پیگیری اجرای لایحه مدیریت واحد شهری را که از سال ۱۳۹۳ در دستور کار وزارت کشور دولت یازدهم بوده است، مورد تأکید قرار دهد.

در این یادداشت، مایلیم پیامد دو رخداد در وضعیت

اتفاق

اعتراض خانواده گل آقا به برپایی مراسم یادبودش با پول بیت‌المال



۲۲ تیر قرار است از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قوم، یادبودی برای زنده‌یاد کیومرث صابری‌فومنی (گل آقا) در این شهر برگزار شود؛ یادبودی که در سالیان گذشته نیز متناسب با شرایط و بودجه مسئولان شهرستانی و استانی و ذوق آنها برگزار می‌شد؛ دعوت از میهمانان کشوری، سخنرانی مسئولان شهرستانی و استانی، شعرخوانی شاعران بومی و غریبومی، شاید موسیقی سنتی و احتمالا پذیرایی عمومی و چندین احتمال دیگر که در نهایت، سرجمع، مراسم با دو، سه‌ساعت بسته می‌شود و گل‌آقای فخر قوم می‌رود تا سال بعد همین‌موقع، تا دوباره این تسلسل همچنان ادامه داشته باشد.

پاسداشت از یک انسان فرهنگی و ادبی یک سرزمین درواقع پاسداشت از ادبیات و فرهنگ یک سرزمین است و در این گزاره هیچ شکی نیست، اما پاسداشتی که متن آن جوهره وجودی مرجع پاسداشت را به‌خوبی به همگان معرفی کند. تأثیر گل‌آقا بر کسی پوشیده نیست، اما این‌بار پوپک صابری، مدیر مؤسسه گل‌آقا اعتراضی نسبت به نحوه برپایی چنین مراسم‌هایی انجام داده است. او با یادآوری وصیت گل‌آقا نوشته است: «گل آقا در وصیت‌نامه خود با قید تأکید سفارش نموده که خانواده وی همه تلاش و اراده خود را بر این موضوع هماهنگ کنند که کسی یا کسانی پس از فقد ایشان مراسمی به هزینه بیت‌المال نگیرند.

این وصیت‌نامه آنچنان در خانواده مرحوم صابری دارای احترام است که هربار که بی‌اذن و وقوف این خانواده تمام‌فرهنگی چنین مراسمی در گوشه‌ای از این‌که‌ن‌بوم برگزار می‌شود نه‌فقط هیچ باری از دوش آنها برداشته نمی‌شود بلکه خود را در مقابل روح آن بزرگوار که به همین‌سان ساده و بی‌پیرایه زندگی کرد مسئول و بی‌پاسخ می‌بینند». انکار چند ماه پیش نیز باوجود اعتراض خانواده مرحوم صابری و همچنین مؤسسه گل‌آقا مراسمی شبیه این برگزار شد و هیچ توجهی به خواست و وصیت مشخص و محکم این عزیز فقید نشد!

پیشنهاد مؤسسه گل‌آقا این است: «متولیان فرهنگی فومن در هماهنگی با خانواده مرحوم صابری بی‌توجه به چنین وصیتی مبادرت به برگزاری چنین مراسمی نکنند؛ چه اینکه هدف از برگزاری این مراسم گرامیداشت یاد و خاطره آن بزرگوار است و حال اینکه ما با برپایی چنین مراسمی که با وصیت‌نامه آن بزرگوار مغایرت کامل دارد، گامی برخلاف یاد و خاطره او برمی‌داریم و به‌طورحتم این خواسته هیچ‌کدام از ما نیست».



همین حوالی



ناهید طباطبائی

اگر از من بپرسند سخت‌ترین کاری که در زندگی کرده‌ای چه بوده، می‌گویم شرکت در کنکور. کنکور برای من یعنی کابوس. یعنی ورود بی‌اختیار به یک تونل دراز و سیاه که نمی‌دانی کی و کجا تمام می‌شود و اصولا تو را به مقصد می‌رساند، یا می‌بردت به جایی که اصلا نمی‌شناسی و این کابوسی است که هر سال برای تعداد بسیاری از جوانان تکرار می‌شود؛ سفر دسته‌جمعی یک خیل عظیم، در سن سرگردانی، از مسیری ناشناخته به مقصدی نامعلوم. یا وجود اینکه از این سفر من چند دهه گذشته، وقتی یاد آن می‌افتم تنم می‌لرزد. تازه زمان ما، همه چیز آسان‌تر بود. ما معلم خصوصی و برنامه مخصوص و اردوی مطالعاتی و ساعت خواب و بیداری و هزار دنگ‌وفنگ دیگر را نداشتیم، یکی، دوتا کلاس کنکور تازه‌تأسیس بودند که بادم است من یکی تا می‌توانستم از ریزش در می‌رفتم و چندتایی کتاب تست و کتاب‌های دبیرستان، باوجوداین وقتی پریشانی و بی‌تصمیمی ۱۸سالگی به آن اضافه می‌شد، کلافه‌کننده بود.

من دبیرستان خوارزمی می‌رفتم. ریاضی می‌خواندم. معلم‌ها بی‌نهایت سخت‌گیر بودند. بادم می‌آید یک‌بار سر کلاس مخروطات از اول تا آخر کلاس زیر میز قایم شدم. شاگرد تبیلی نبودم، اما نمی‌فهمیدم چرا باید آن شکل‌های عجیب را کشید. مکانیک و جبر و مثلثات و حساب استدلالی را دوست داشتم، چون از پیداکردن جواب خوشم می‌آمد و هنوز هم خوشم می‌آید، از پیداکردن جواب را می‌گویم.

صبح کنکور به یک مدرسه بزرگ روبه‌روی موزه ایران باستان رفتم، یعنی برده شدم. شاید اگر قرار